مطالعات محیطی هفت حصار شماره چهل‌ونهم/ سال سیزدهم/ پاییز ۱۴۰۳
صفحات ۱۴۲-۱۳۱

تحلیل شاخص‌های توزیع خدمات شهری با رویکرد عدالت فضائی کلانشهر شیراز

بهنوش نصرتی*، علی شکور**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۱۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۶/۳

مقاله پژوهشی- مورد پژوهی

©: IAUH

ISSN: 2322-5602

چکیده

هدف پژوهش حاضر، سنجش شاخص‌های توزیع خدمات شهری به عبارتی حکمروایی خوب شهری با در نظرگرفتن شرایط موقعیتی و عدالت فضایی شهر شیراز می‌باشد. این تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی، از نوع همبستگی بوده و روش گردآوری اطلاعات تحقیق، کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. جامعه آماری تحقیق، متخصصین حوزه شهرسازی و معماری می‌باشند که با استفاده از روش دلفی ۳۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردیده است. جهت جمع آوری داده‌های تحقیق از پرسشنامه استفاده شده و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، از آمار توصیفی و آمار استنباطی و روش ضریب عمران پذیری نواحی و تحلیل عاملی استفاده گردید. یافته‌ها و نتایج تحقیق حاکی از آن است که بر اساس آزمون تحلیل عاملی به ترتیب معیارهای مشارکت، قانونمندی، جهت‌گیری توافقی، پاسخگویی و پاسخدهی، بینش راهبردی، اثربخشی و کارآیی و شفافیت متغیرهای حکمروایی خوب شهری مؤثر بر عدالت فضایی مناطق کلانشهر شیراز می‌باشد و همچنین منطقه ۱۰ با ضریب ۰/۹ از بیشترین عمران پذیری برخوردار است که بیانگر مطلوبیت بیشتر این منطقه برای عمران پذیری می‌باشد. مناطق ۱ و ۶ که با ضریب ۰/۵ و ۰/۱۵ در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند نیز از عمران پذیری مطلوب تری برخوردارند. سایر مناطق مورد پژوهش (۷ منطقه دیگر) از ضریب عمران پذیری پایینی برخوردارند و حکمروایی خوب شهری و عدالت فضایی-اجتماعی در این مناطق با شکست روبه رو شده است.

واژگان کلیدی

شاخص‌های توزیع خدمات شهری. حکمروایی خوب شهری. عدالت فضائی. شیراز.

* گروه علوم انسانی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. behnooshnosrati@yahoo.com
** استاد گروه جغرافیای انسانی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران. (نویسنده مسئول) alishakoor52@yahoo.com

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

مقدمه

طبق گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل متحد بیش از نیمی از جهان یعنی سه میلیارد و سیصد میلیون نفر در مناطق شهری زندگی می‌کنند. این رقم تا سال ۲۰۳۰ به پنج میلیارد نفر افزایش می‌یابد که حدود چهار میلیارد نفر آن به کشورهای در حال توسعه اختصاص دارد (جعفری فرد و همکاران، ۱۳۹۹). بر این اساس از عوامل اصلی بحران‌های افزایش جمعیت جوامع بشری ریشه در نابرابری‌های اجتماعی و فقدان عدالت دارد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۳). عدالت فضایی یک نقطه ثقل در زمینه برنامه‌ریزی تأسیسات شهری و یک شاخه از عدالت اجتماعی است (تابعی و همکاران، ۱۳۹۵) و شامل مباحث توزیع نابرابر درآمد و ثروت، جداسازی فضایی مسکن، تخصیص نابرابر کالاها و خدمات عمومی و حقوق مدنی نابرابر در میان طبقات، نژاد، قومیت و جنسیت در چهار چوب جوامع، شهرها و نواحی شهری است (Fujita, 2009). لذا سیاست‌های تخصیص و توزیع منابع در شهرها از طریق برنامه‌ریزان شهری (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴)، در قالب حکمروایی مطلوب شهری که کیفیت روابط میان حکومت و شهروندان است، (Sheng, 2010) صورت می‌گیرد. حکمروایی مطلوب شهری همچنین به عنوان یک مفهوم بنیادی با هدف بهبود مهارت‌های اداری و بهره وری، شفافیت، مبارزه با فساد و افزایش پاسخگویی مقامات شهری مطرح شده است (Kadago et al, 2010). دولت براساس حکمروایی خوب می‌تواند موجب افزایش اعتماد عمومی شود و همچنین بهره‌وری اقتصادی به وجود آورد(Yousaf et al, 2016). در مجموع در شبکه‌های حکمروایی اهداف سازمان‌های فردی و نفع جمعی در نظر گرفته می‌شود (Edeenbos & Meerkerk, 2017). لذا در این پژوهش با هدف تحلیل شاخص‌های حکمروایی خوب شهری با رویکرد عدالت فضائی و اجتماعی شهر شیراز با توجه به افزایش جمعیت این کلانشهر در چند دهه اخیر و بررسی وضعیت مدیریت شهری نیاز مبرم به بررسی خدمات شهری مطرح گردیده، چرا که در صورت عدم پراکنش صحیح در برخورداری از امکانات و خدمات شهری نارضایتی شهروندان و عدم تحقق عدالت فضایی را در پی دارد. در همین راستا، به بررسی این دو فرضیه که به نظر می‌رسد از بین شاخص‌های سیستم قوانین و مقررات حاکم بر مدیریت شهری و شهرداری شاخص‌هایی چون قانون مندی، پاسخگویی و پاسخ‌دهی و اثربخشی و کارایی سهم بیشتری در شکل‌گیری الگوی حکمروایی خوب شهری در کلانشهر شیراز تأثیرگذار می‌باشد و به نظر می‌رسد شاخص‌های فرصت برابر، سهم برابر و عدالت جبرانی سهم بیشتری در شکل‌گیری عدالت فضایی و اجتماعی در کلانشهر شیراز دارند، می‌پردازیم.

مبانی نظری تحقیق

حکمروایی و حکمروایی خوب شهری: پس از جنگ جهانی دوم و با بروز مشکلات جدید برای کشورها، مفهوم توسعه با ابعاد گسترده‌ای مطرح شد و وجود یک سیستم مدیریت پویا به‌عنوان نیاز اساسی برای زندگی و بقای جوامع شهری شناخته شد؛ زیرا مدیریت صحیح شهرها می‌تواند فرصت‌های اقتصادی و توسعه اجتماعی مهمی ایجاد کند(Esmailpour et al, 2021., Biswas et al, 2019). در این میان، با ظهور الگوهای نوین مدیریت شهری و نگرانی‌های اجتماعی درباره روش‌های بهینه حکمرانی، رویکرد سنتی مدیریت شهری با انتقادات گسترده‌ای روبه‌رو شد و مدل حکمرانی شهری به‌عنوان جایگزینی برای آن پیشنهاد شد. این پارادایم جدید که از سه عنصر اصلی دولت، جامعه و بخش خصوصی تشکیل می‌شود، تفاوت چشمگیری با روش‌های پیشین دارد و قدرت و تأثیرگذاری هر یک از این عناصر را بازتعریف می‌کند. ظهور تأثیرات جهانی شدن بر سیاست‌های شهری از عوامل اهمیت یافتن تئوری حکمروایی در شهرها شده است(Pierre, 2014). لذا قدمت حکمرانی به تاریخ تمدن بشری برمی گردد (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۹۶). حکمروایی کنش، شیوه یا سیستم اداره است که در آن مرزهای بین سازمان‌ها و بخش‌های عمومی و خصوصی در هم می‌روند (Rakodi, 2001). به عبارتی حکمروایی یک ویژگی اصلی در مدیریت شهری تبدیل شده که توسط دولت‌ها و سازمان‌های دولتی به الگویی برای مشارکت جامعه مدنی و مردمی تبدیل شده است(Lemanski, 2017). لذا برای گریز از مشکلات اداری مناطق شهری به درک معنای عبارت حکمروایی خوب و توسعه‌ی مکانیسم‌های مرتبط با آن برای ارزیابی کارایی و ارائه‌ی مبنایی برای بهبود نیاز است(Lock Wood, 2009). به بیانی حکمرانی شایسته به وسیله حکومت محلی به عنوان تلاش هماهنگ در نظر گرفته می‌شود و جامعه مدنی و بخش خصوصی را به مثابه اهداف اصلی خود تلقی می‌کنند. این تلاش باید افراد، گروه‌ها، شرکت‌های منفرد و تعداد زیادی از نهادهای دولتی و محلی را در برگیرد(هال و فایفر، ۱۳۹۴) که این امر می‌تواند به عنوان دستیابی به اهداف مشترک، همکاری بین شبکه‌های حکومتی، منافع متقابل بیان می‌شود(Edeenbos & Meerkerk, 2017). به عبارت دیگر، حکمروایی خوب شهری به سنت‌ها و نهادهایی اطلاق می‌شود که از طریق آن، اقتدار در کشورها جاری می‌شود و در جامعه نیز، زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان، به تناسب ویژگی اجتماعی و اقتصادی آنان فراهم می‌شود (World Bank, 2012).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

جدول ۱- نظریه‌پردازان حکمروایی خوب شهری

مک کارنی و همکاران	این محققین حکمروایی را رابطه بین جامعه مدنی و دولت، بین حکمرانان و حکمرانی شوندگان، حکومت و حکومت شوندگان تعریف کرده‌اند(شریف‌زاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۸).
شهیدول و ساپان	این محققین حکمروایی خوب را با عنوان نقش تأثیرگذار در شکل دادن فضایی مناسب برای مشارکت شهروندان ایفا می‌کنند (Shahidul &Swapan, 2016).
بوئینگر	از نظر بوئینگر (۱۹۹۱) سه بعد برای حکمروایی قابل تصور است؛ فنی، سیاسی و نهادی(بیگلو و همکاران، ۱۳۹۷).
جان پیر	جان پیر[1] برای ئوری حکمروایی شهری این سؤال را مطرح می‌کند که چه کسانی بر منابع حیاتی ادارهٔ جامعه، کنترل دارند و در چه زمینه‌ای می‌توانند کنش جمعی را پایدارتر کنند(Pierre, 2014). این تئوری به علل و پیامدهای فرم‌های مختلف کنش متقابل بین کنشگران اجتماعی و دولت‌های محلی می‌پردازد (عیوضلو و رضویان، ۱۳۹۷).
کافمن و همکاران	کافمن و همکارانش برای حکمروایی خوب شهری شش شاخص زیر را ارائه کرده‌اند(مختاریان و همکاران، ۱۳۹۶). حکمروایی خوب به شکلی ساده در برگیرنده مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، اثر بخشی، تساوی خواهی و حاکمیت قانون است و همواره تضمین‌کننده این مهم است که اولویت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باید مبتنی بر اجماع وسیعی در جامعه باشد و صدای فقیرترین و آسیب‌پذیرترین طبقات در فرایند تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع توسعه شنیده شود (Shipra, 2006).
گاس	حکمروایی از نظر گاس، مفهومی برای تشریح شکل جدیدی از تصمیم‌گیری جمعی در سطح محلی است که به توسعه روابط مختلف، نه تنها میان عوامل و بنگاه‌های عمومی بلکه میان شهروندان و بنگاه‌های عمومی می‌انجامد(Goss, 2001).
اشترن	اشترن معیارهای سنجش حکمروایی خوب را به این شرح بر می‌شمارد: پاسخ گویی و محاسبه‌پذیری شفافیت، قانونمندی انتخاب رهبران سیاسی و وجود ساختارهای قانونی برای پشتیبانی شهروندان در مقابل اقدامات استبدادی(حاجی نژاد و همکاران، ۱۳۹۵).

حکمروایی خوب شهری در ایران با توجه به قوانین، برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و طرح‌ها و برنامه‌های شهری مورد سنجش قرار می‌گیرد(توکلی نیا و همکاران، ۱۳۹۱). در این راستا می‌توان معیارهای مطلوب حکمروایی شهری در شهرهای ایران را به شرح زیر معرفی کرد:

- **مشارکت شهروندان[2]:** مشارکت فقط به حمایت مردم از تصمیم‌گیران و تأیید سیاست‌های آنان محدود نمی‌شود (توکلی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱) بلکه فرآیندی است که در آن حضور همه مردم در تصمیم‌گیری‌های مختلف است که هم به صورت مستقیم و هم از طریق نمایندگان و نهادهای واسطه‌ای قانونی و مشروع تحقق می‌یابد (حسنی هنزایی و الهیاری، ۱۳۹۷). بنابراین در برنامه‌ریزی راهبردی هر هدف یا راهبرد که بتواند زمینه‌ی مشارکت را فراهم نماید منعکس‌کننده‌ی این مؤلفه‌ی حاکمیت شهری در برنامه است(مهارتی و همکاران، ۱۳۹۱).
- **اثربخشی و کارآیی[3]:** این شاخص شامل پاسخ گویی به ظرفیت کنترل و نظارت در فرایند مشارکت در تصمیم‌گیری شهری می‌باشد، از این رو در روابط بین نهادهای عمومی و شهروندان قرار می‌گیرد(Peris & et al, 2011) در نتیجه سبب شکل‌گیری و تضمین اعطای خدمات به عموم مردم با مصرف بهینه و عاقلانه منابع دردسترس می‌گردد(عیوضلو و رضویان، ۱۳۹۷).
- **پذیرا بودن و پاسخ ده بودن[4]:** این معیار دو نکته مکمل هم را در بردارد (توکلی نیا و همکاران، ۱۳۹۱). در واقع هر اندازه که نقطه نظرات موجود در یک جامعه از تفاوت‌های زیادی برخوردار باشند، بازیگران گوناگونی نیز وجود خواهند داشت؛ لذا حکمروایی خوب نیازمند این است که منافع و سلایق مختلف در جامعه به سمت اجماعی گسترده که بهترین و بیشترین منفعت را برای تمام اجتماع در پی دارد، هدایت کند. این امر مستلزم این است که چشم‌انداز بلندمدت و وسیعی نسبت به آنچه برای توسعه پذیرا بودن و پاسخ ده بودن ضروری است(حسنی هنزایی و الهیاری، ۱۳۹۷).
- **مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی[5]:** پاسخگویی یک امر حیاتی برای حکمروایی خوب است که همه نهادهای دولتی، بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی باید نسبت به عموم مردم و نهادهای ذینفع پاسخگو باشند(زیاری و همکاران، ۱۳۹۹).
- **شفافیت[6]:** شفافیت نقطه مقابل پنهانکاری در تصمیم‌گیری است. پنهانکاری، امکان بروز فساد در تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶). لذا اطلاعات باید به اندازه کافی و به صورت قابل فهم در دسترس باشند و از طرف دیگر اتخاذ تصمیمات و اجرای آن‌ها از قوانین و مقررات مشخصی پیروی کند (مهارتی و همکاران، ۱۳۹۱).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

- **قانونمندی[۷]:** منظور از قانونمندی، وجود قوانین کارآمد، منظور از قانونمندی در تصمیم‌گیری شهری، وجود قوانین کار آمد، رعایت عادلانه چارچوب قانونی است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۹). رعایت عادلانه چارچوب‌های قانونی در تصمیم‌گیری و دور بودن دست افراد غیر مسئول از تصمیم‌گیری‌هاست (شاهینی‌فر و محمدزاده، ۱۳۹۶).
- **جهت‌گیری توافقی[۸]:** شهر عرصه گروه‌ها و منافع مختلف وگاه در حال ستیز با یکدیگر است. منظور از جهت‌گیری توافقی تعدیل و ایجاد توافق میان منافع مختلف است(عبدی و همکاران، ۱۳۹۸). این کار مستلزم وجود ارتباط و تلاش مشترک میان سازمان‌های دولتی، شهروندان و سازمان‌های غیر دولتی است (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۹۶).
- **عدالت و فراگیر بودن[۹]:**این شاخص تأکید بر فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای شهروندان به منظور بهبود رفاه، بدون تبعیض میان آن‌ها می‌باشد(عیوضلو و رضویان، ۱۳۹۷). همچنین ایجاد فرصت‌های مناسب برای تمامی مردم در زمینه‌ی ارتقای وضعیت رفاهی‌شان، تلاش در جهت تخصیص عادلانه‌ی منابع و مشارکت تمامی مردم حتی اقشار فقیر در اعلام نظر و تصمیم‌گیری نوعی عدالت محسوب می‌شود(حاجی نژاد و همکاران، ۱۳۹۵).
- **بینش راهبردی[۱۰]:** فراتر رفتن از مسائل روزمره شهر و پرهیز از غرق شدن در آن‌ها مستلزم وجود بیشی کرده و دراز مدت نسبت به آینده با داشتن بینش راهبردی در زمینه توسعه شهری است (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۹۶).

عدالت فضایی: یکی از مهم‌ترین و چالش برانگیزترین مفاهیم عدالت در مطالعات شهری، عدالت فضایی است که تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است (Omar, 2005). مفاهیم عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی همگی در راستای تحقق عدالت فضایی است. عدالت فضایی نقطهٔ تلاقی زمین، جمعیت و فعالیت است (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۳). به عبارتی عدالت فضایی و محیطی به معنی توزیع عادلانهٔ امکانات برای رسیدن به جامعه‌ای متوازن و یکی از رهیافت‌های عدالت اجتماعی است (بابائی اقدم و نعیمی، ۱۳۹۶). به منظور سنجش عدالت فضایی در مقیاس عملکردی مناطق شهری نیاز به وجود شاخص‌هایی است که ضمن این که بعد فضایی و مکانی داشته باشند بتوانند سطح برخورداری و یا میزان عدالت فضایی را در هر منطقه از شهر نشان دهند (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین برنامه‌ریزان باید در پی این می‌باشند که در الگوی مکان‌یابی خدمات و نحوهٔ توزیع آن‌ها، چه مقدار نابرابری به وجود آمده و چه گروه‌هایی از جامعه در محرومتر شده‌اند (Hewko, 2003). بر این اساس می‌توان تقسیم‌بندی عدالت فضایی از دیدگاه‌های مختلف به قرار ذیل معرفی نمود.

جدول ۲- تقسیم‌بندی عدالت فضایی از دیدگاه‌های مختلف

انواع عدالت فضایی		تعریف
عدالت به عنوان برابری	سهم برابر	هر شخصی سهم برابری دریافت می‌کند.
	فرصت برابر	افراد توانایی برابر به فرصت‌های برابر دارند.
	عدالت جبرانی	سهم‌های توزیع شده برای متعادلکردن نابرابری‌های موجود است.
عدالت نیازمحور		خدمات متناسب با نیازها توزیع می‌شود.
عدالت بازار		دریافت منفعت در ارتباط با سطح پرداختی است.
عدالت تقاضامحور		منافع در تناسب با سطح تقاضای شهروندان توزیع می‌شود.

مأخذ: (بابائی اقدم و نعیمی، ۱۳۹۶، ۱۷۸) , (احمدی و شمسی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۶)

پیشینه

احمدی و شمسی پور (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان تحلیل توزیع خدمات عمومی با رویکرد عدالت فضایی مطالعهٔ موردی: شهر بجنورد دریافتند شهر بجنورد با کمبود شدید مراکز خدمات عمومی روبه روست. همچنین این کمبود به صورت ناعادلانه در محله‌های شهری مشاهده شده و شاهد بروز نابرابری و بی‌عدالتی میان محله‌ها گردیده است.

جعفری فرد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان واکاوی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری (مطالعهٔ موردی: شهر کهنوج) دریافتند که از مجموع هفت شاخص اصلی حکمروایی شهری مورد بررسی در این پژوهش در ۷۰ درصد آنها، میانگین امتیازهای شهروندان پایین‌تر از کارشناسان می‌باشد و تنها در دو شاخص مشارکت و کارایی وضعیت برعکس است و بیشترین اختلاف نظر میان شهروندان با مدیران و کارشناسان در شاخص‌های شفافیت، اجماع‌گرایی و مسئولیت و پاسخگویی و بیشترین وجه اشتراک میان آن‌ها در شاخص‌های قانونمداری و اثربخشی و کارایی می‌باشد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

رحمانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان تحلیل نابرابری‌های فضایی توزیع خدمات شهری از منظر عدالت فضایی مطالعه موردی: شهرستان قرچک دریافتند که خدمات و امکانات مورد بررسی در تحقیق در سطح شهرستان قرچک به‌صورت عادلانه توزیع نشده‌اند از طرفی نیز نتیجه آزمون سطح رضایت‌مندی شهروندان از وضعیت خدمات شهری مورد بررسی نیز حاکی از نامناسب بودن وضعیت این خدمات در سطح شهرستان قرچک بوده است.

زیاری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان تحلیل عملکرد مدیریت شهری با تاکید بر شاخص‌های حکمروایی خوب از منظر شهروندان (مورد مطالعه: شهر ساری) دریافتند که میانگین کل شاخص‌های حکمروایی خوب از منظر شهروندان با مقدار ۱.۹۸ از ۳ در وضعیت نامطلوبی قرار دارد که این نتایج عدم رضایت شهروندان را بیان می‌کند که در این رابطه مسئولان شهری باید با به‌کارگیری نظرات افراد در عرصه مدیریتی و سیاست گذاری‌ها، زمینه را برای افزایش رضایت از زندگی در شهر را فراهم نمایند.

Wolfram (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان نگرش‌های مردمی در زمینه‌های شهری با بررسی نوآوری‌های حکمرانی برای توسعه پایدار در سئول دریافتند که مسایل مطروحه در تحقیقات و سیاست‌های آینده مورد توجه قرارمی گیرند: ۱- ظرفیت‌های توانمندسازی شهر؛ ۲- نوآوری جامع جاسازی شده؛ ۳- نوآوری حکومت گرای جامعه؛ ۴- توازن میان شهر

Bassett (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان نقش عدالت فضایی در بازسازی فضای شهری گرونینگن هلند دریافتند که اگر کیفیت فضایی یک شهر بالا باشد، عدالت فضایی هم بدست می‌آید و عدالت فضایی راهی برای کاهش اثرات ناعادلانه در جغرافیای فرهنگی است.

Morita & Zaelke (۲۰۰۷) در پژوهشی تحت عنوان ارتباط نقش قانون، حکمروایی خوب و توسعه دریافتند نویسنده معتقد است مدیریت موثر انسان، طبیعت و منابع مالی جهت عدالت و توسعه پایدار توسط حکمروایی خوب انجام می‌شود. نتایج به دست آمده در این مقاله این است که حکمروایی خوب و نقش قانون یک امر تدریجی بوده و یک شبه انجام نمی‌شود؛ حکمروایی خوب، ترویج‌دهنده، پاسخگویی، شفافیت، کارایی و نقش قانون در نهادهای عمومی در همه سطوح است.

روش تحقیق

روش مورداستفاده پژوهش حاضر توصیفی- تحلیلی و از لحاظ راهبرد هدف‌گذاری، کاربردی است. برای جمعآوری داده‌ها نیز از دو روش کتابخانه‌ای و اسنادی (طرح تفصیلی) استفاده شده است. محدوده جغرافیایی موردمطالعه کلانشهر شیراز و ۱۰ منطقه شهرداری آن می‌باشد و جهت ارزیابی مناطق شهری شیراز از لحاظ وضعیت حکمروایی خوب شهری با تاکید بر عدالت فضائی واجتماعی از تمامی کاربری‌ها بجز کاربری مسکونی استفاده گردیده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های تعیین ضریب عمران پذیری نواحی و تحلیل عاملی استفاده شده است و جامعه آماری تحقیق حاضر بر مبنای روش دلفی ۳۰ نفر از متخصصین حوزه شهرسازی و معماری می‌باشند.

ضریب عمران پذیری نواحی: در اجرای هر طرح و پروژه عمرانی در یک ناحیه باید با توجه به شاخص‌های محیطی و یا دیگر پدیده‌هایی که وجود دارند ظرفیت عمران‌پذیری را مشخص نمود و سپس با توجه به نتیجه‌ای که حاصل می‌شود، بر طبق آن عمل کرد. بدین منظور برای برای تشخیص میزان قابلیت یک ناحیه یا منطقه در پذیرش فعالیت‌های عمرانی، لازم است پیش از هرگونه اقدام برای برنامه‌ریزی، ارزیابی دقیقی صورت گیرد.، می‌توان رابطه زیر را به کار برد.

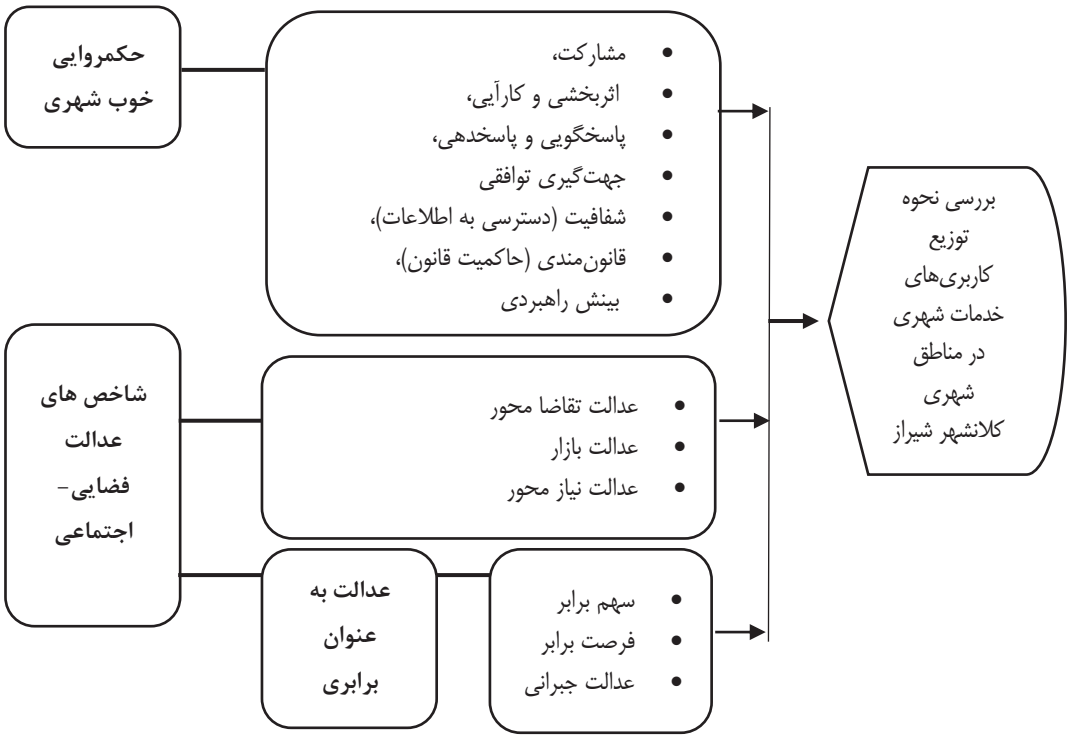
رابطه ۱ $DC = \frac{PF}{NF}$ در این فرمول (۱) DC = ضریب (ظرفیت) عمران‌پذیری PF = پدیده طبیعی و انسانی مثبت (مساعد)؛ NF = پدیده طبیعی یا انسانی منفی (نامساعد).

برای به‌کارگیری رابطه فوق در مجموعه پدیده‌های طبیعی و انسانی، باید آن را به‌صورت زیر تغییر داد:

رابطه ۲ $DC = \frac{\sum P}{\sum N}$ در این فرمول (۲) DC = ضریب (ظرفیت) عمران‌پذیری $\sum P$ مجموع پدیده‌های طبیعی با انسانی مثبت؛ $\sum N$ مجموع پدیده‌های طبیعی یا انسانی منفی. همچنین، برای تعیین درصد عمران‌پذیری نواحی می‌توان از رابطه (۳) استفاده کرد. رابطه ۳، $DC\% = \frac{\sum P}{\sum N} \times ۱۰۰$ برای استفاده از فرمول‌های فوق (۲ و۳) باید به هر یک از پدیده‌ها و عوامل طبیعی و انسانی یک امتیاز داد و سپس مجموع امتیازات را در فرمول قرارداد، آنگاه اگر نتیجه و جواب حاصله (در فرمول ۲) کمتر از عدد ۱ درآمد، عمران‌پذیری ناحیه یا منطقه مورد نظر منفی است و سرمایه‌گذاری در آن احتمالاً با شکست روبه رو خواهد شد و اگر جواب بیش از عدد ۱ درآمد، عمران‌پذیری ناحیه مورد نظر مثبت بوده و هر چه مدد حاصله از ۱ بزرگتر باشد، عمران‌پذیری از مطلوبیت بیشتری برخوردار خواهد بود و هرچه به عدد ۱ نزدیک شود و از عدد ۱ کمتر شود، ضعف پذیرش سرزمین ارایی بیشتر نمایان خواهد شد. باید توجه نمود که در محاسبات ظرفیت عمران‌پذیری، تمامی پدیده‌ها و عوامل طبیعی، انسانی و محاسبه شده و در هر یک از عوامل فوق به غیر از گروه‌های اصلی، رده‌های فرعی و اجزای آن‌ها نیز بررسی شده و در نظر گرفته

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

شوند؛ زیرا هر چه دقت بیشتری شود، موفقیت بیشتری به دست خواهد آمد؛ چراکه هرقدر ناحیه مورد مطالعـه محـدودتر و مشـخص‌تـر باشـد، یکنواخت‌تر و هماهنگ بوده و بالطبع نتایج تحقیقات و مطالعات به حقیقت و واقعیت نزدیک‌تر خواهد شد (نظم‌فر و منتظر، ۱۳۹۷: ۹-۱۰).



تصویر ۱- مدل مفهومی پژوهش



تصویر ۲- نقشه توزیع کاربری‌ها بر اساس نقشه طرح تفصیلی شیراز

تحلیل عاملی نامی عمومی است برای برخی روش‌های آماری چند متغیره که هدف اصلی آن خلاصه کردن داده‌ها می‌باشد. ایـن روش بـه بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت آن‌ها را در قالب عامل‌های کلی محدودی دسته‌بندی و تبیین مـی‌کنـد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

تحلیل عاملی روشی هم وابسته بوده که در آن کلیه متغیرها به طور همزمان مدنظر قرار می‌گیرند، به عبارت دیگر در این تکنیک که به دو نوع Q و R قابل تقسیم است، هریک از متغیرها به عنوان یک متغیر وابسته لحاظ می‌شوند.

یافته‌های تحقیق

ضریب عمران پذیری نواحی: برای سنجش عمران پذیری تمامی مناطق شهرداری کلانشهر شیراز و تعیین میزان قابلیت پذیرش عدالت فضایی (توزیع کاربری‌های ورزشی، درمانی، فرهنگی، فضای سبز، آموزشی و تجهیزات شهری) و حکمروایی خوب شهری (مشارکت، اثربخشی و کارآیی، پاسخگویی و پاسخدهی، جهت‌گیری توافقی، شفافیت (دسترسی به اطلاعات)، قانون‌مندی (حاکمیت قانون)، بینش راهبردی) ابتدا ماتریس داده‌ها را تشکیل می‌دهیم (جدول‌های ۳ تا ۶).

جدول ۳- ضریب عمران‌پذیری مناطق شهرداری کلانشهر شیراز

مناطق	معیارهای حکمروایی خوب شهری																$\frac{\sum P}{\sum N}$	
	مشارکت		اثربخشی و کارآیی		پاسخگویی و پاسخدهی		جهت‌گیری توافقی		شفافیت (دسترسی به اطلاعات)		قانونمندی (حاکمیت قانون)		بینش راهبردی		$\sum P$	$\sum N$		
	P	N	P	N	P	N	P	N	P	N	P	N	P	N				
منطقه ۱	۲	–	–	۲	۱	–	–	۴	–	۵	–	۲	۲	–	۲	–	۵	۱۳
منطقه ۲	–	۳	۲	–	–	۲	–	۳	–	۵	–	۱	۱	–	۱	–	۳	۹
منطقه ۳	–	۴	–	۳	–	۴	–	۴	–	۵	–	۳	۲	–	۲	–	۲۵	
منطقه ۴	–	۴	–	۵	–	۳	–	۵	–	۵	–	۲	۳	–	۳	–	۲۷	
منطقه ۵	–	۵	–	۴	–	۵	–	۵	–	۵	–	۳	۴	–	۴	–	۳۱	
منطقه ۶	۱	–	۳	–	–	۳	–	۳	–	۵	–	۲	۱	–	۳	۵	۱۳	
منطقه ۷	–	۵	–	۵	–	۳	–	۵	–	۵	–	۲	۳	–	۳	–	۲۸	
منطقه ۸	–	۵	–	۵	۳	–	–	۵	–	۵	–	۴	۳	–	۳	۳	۲۷	
منطقه ۹	–	۵	–	۵	–	۴	–	۵	–	۵	–	۳	۳	–	۳	–	۳۰	
منطقه ۱۰	۲	–	–	۳	۱	–	–	۳	–	۵	–	۱	۲	–	۲	۵	۱۲	

جدول ۴- ضریب عمران‌پذیری مناطق شهرداری کلانشهر شیراز

مناطق	شاخص‌های عدالت فضایی- اجتماعی														$\frac{\sum P}{\sum N}$	
	توزیع کاربری‌های ورزشی		توزیع کاربری‌های درمانی		توزیع کاربری‌های فرهنگی		توزیع کاربری‌های فضای سبز		توزیع کاربری‌های آموزشی)		توزیع کاربری‌های تجهیزات شهری		$\sum P$	$\sum N$		
	P	$\sum P$	N	P	N	P	N	P	N	P	N	P				
منطقه ۱	–	۴	–	۵	–	۲	–	۲	–	۱	–	۴	۷	۱۱		
منطقه ۲	–	۵	–	۵	–	۳	–	۴	–	۳	–	۵	–	۲۵		
منطقه ۳	–	۳	۲	–	–	۱	–	۵	۲	–	–	۳	۴	۱۲		
منطقه ۴	–	۳	–	۳	–	۴	–	۳	۳	–	–	۴	۳	۱۷		
منطقه ۵	–	۵	–	۴	–	۳	–	۵	–	۴	–	۵	–	۲۶		
منطقه ۶	–	۴	–	۲	–	۲	–	۵	–	۳	–	۳	۷	۱۲		
منطقه ۷	–	۵	–	۵	–	۳	–	۴	–	۵	–	۵	۳	۲۴		
منطقه ۸	–	۵	–	۵	–	۵	–	۵	–	۵	–	۵	۵	۲۵		
منطقه ۹	–	۵	–	۳	–	۳	–	۵	–	۴	–	۵	۵	۲۰		
منطقه ۱۰	–	۳	۵	–	–	۴	–	۵	–	۳	۵	–	۱۵	۱۰		

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

جدول ۵- ضریب عمران پذیری مناطق شهرداری کلانشهر شیراز

مناطق	$\sum P$	$\sum N$	$DC=\frac{\sum P}{\sum N}$	$DC\%=\frac{\sum P}{\sum N}\times ۱۰۰$
منطقه ۱	۱۲	۲۴	۰.۵	۵۰
منطقه ۲	۳	۳۴	۰/۰۸۸	۸/۸
منطقه ۳	۴	۳۷	۰/۱۰	۱۰
منطقه ۴	۳	۴۴	۰/۰۶۸	۶.۸
منطقه ۵	۱	۵۷	۰/۰۱	۱
منطقه ۶	۱۲	۲۵	۰/۴۸	۴۸
منطقه ۷	۳	۵۲	۰/۰۵۷	۵/۷
منطقه ۸	۸	۵۲	۰/۱۵	۱۵
منطقه ۹	۵	۵۰	۰/۱۰	۱۰
منطقه ۱۰	۲۰	۲۲	۰/۹۰	۹۰

جدول ۶- ضریب عمران پذیری مناطق شهرداری کلانشهر شیراز

مناطق	$DC=\frac{\sum P}{\sum N}$	درصد	رتبه	نتایج حاصله
منطقه ۱۰	۰/۹۰	۹	۱	با توجه به نتایج حاصل از داده‌های بدست آمده درمی‌یابیم درصد عمران‌پذیری مناطق شهرداری کلانشهر شیراز پایین است به عبارتی معیارهای حکمروایی خوب شهری و شاخص‌های عدالت فضایی- اجتماعی در کلانشهر شیراز صورت مطلوبی ندارد و به ترتیب اولویت مناطق ۱۰، ۱، ۶ از وضعیت بهتری نسبت به سایر مناطق برخوردار است.
منطقه ۱	۰/۵	۵	۲	
منطقه ۸	۰/۱۵	۱/۵	۳	
منطقه ۹	۰/۱۰	۱	۴	
منطقه ۳	۰/۱۰	۱	۵	
منطقه ۲	۰/۰۸۸	۰/۸۸	۶	
منطقه ۴	۰/۰۶۸	۰/۶۸	۷	
منطقه ۷	۰/۰۵۷	۰/۵۷	۸	
منطقه ۶	۰/۴۸	۴/۸	۹	
منطقه ۵	۰/۰۱	۰/۱	۱۰	

با توجه به نتایج حاصله می‌توان گفت که منطقه ۱۰ با ضریب ۰/۹ از بیشترین عمران‌پذیری برخوردار است که بیانگر مطلوبیت بیشتر این منطقه برای عمران‌پذیری می‌باشد. مناطق ۱ و ۶ که با ضریب ۰/۵ و ۰/۱۵ در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند نیز از عمران‌پذیری مطلوب‌تری برخوردارند. سایر مناطق مورد پژوهش (۷ منطقه دیگر) از ضریب عمران پذیری پایینی برخوردارند و حکمروایی خوب شهری و عدالت فضایی- اجتماعی در این مناطق با شکست روبه رو شده است.

تحلیل عاملی: در نهایت برای بررسی این مهم که بین شاخص‌های سیستم قوانین و مقررات حاکم بر مدیریت شهری و شهرداری شاخص‌هایی چون قانون مندی، پاسخگویی و پاسخدهی و اثر بخشی و کارایی سهم بیشتری در شکل‌گیری الگوی حکمروایی خوب شهری در کلانشهر شیراز تأثیرگذار می‌باشد، از آزمون تحلیل عاملی استفاده شده است. به منظور استخراج ضریب اهمیت مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری تأثیرگذار بر عدالت فضایی از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. با توجه به آنکه تحلیل عاملی روی ۶ معیار حکمروایی مؤثر بر عدالت فضایی مناطق کلانشهر شیراز انجام شد، ۴ عامل به عنوان عوامل اصلی شناخته شدند. متغیرهای مشارکت، قانونمندی بر روی عامل اول دارای بار عملی بیشتری هستند. متغیرهای پاسخگویی و پاسخدهی و بینش راهبردی بر روی عامل دوم بار عاملی بیشتری داشته‌اند. همچنین متغیر اثربخشی و کارآیی بر روی عامل سوم و متغیرهای شفافیت بر روی عامل چهارم دارای بیشترین بار عاملی بوده‌اند. در جدول شماره ۷ بار عاملی و امتیاز عاملی متغیرها نشان داده شده است. با توجه به مقایسه نمره عامل‌ها، عامل اول که شامل معیارهای مشارکت، قانونمندی است به عنوان مهمترین عامل از عوامل حکمروایی خوب شهری مؤثر بر عدالت فضایی مناطق کلانشهر شیراز تعیین گردید.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

جدول ۷- بار و امتیاز عاملی متغیرهای حکمروایی خوب شهری مؤثر بر عدالت فضایی مناطق کلانشهر شیراز

عامل	معیار	بار عاملی	امتیاز عامل
۱	مشارکت	۰/۶۸۳	۰/۷۶۲
	قانونمندی	۰/۷۲۵	
	جهت‌گیری توافقی	۰/۷۸۰	
۲	پاسخگویی و پاسخدهی	۰/۷۸۶	۰/۸۹۶
	بینش راهبردی	۰/۶۳۹	
۳	اثربخشی و کارآیی	۰/۷۴۶	۰/۳۰۹
۴	شفافیت	۰/۶۲۱	۰/۲۷۸

بحث و نتیجه‌گیری

توزیع خدمات شهری یکی از عوامل کلیدی در ایجاد و حفظ عدالت فضایی در کلان‌شهرها به‌شمار می‌رود. در این راستا، حکمروایی خوب و مؤثر نقش بسزایی در بهبود کیفیت خدمات و تأمین نیازهای شهروندان دارد. در کلان‌شهر شیراز، با توجه به رشد سریع جمعیت و افزایش نیاز به خدمات عمومی، ارزیابی وضعیت توزیع خدمات و شناسایی نقاط ضعف در نظام حکمروایی امری ضروری است. این مقاله به تحلیل شاخص‌های توزیع خدمات شهری با رویکرد عدالت فضایی در کلان‌شهر شیراز می‌پردازد و تلاش می‌کند تا به چالش‌ها و پیامدهای موجود در این حوزه بپردازد. نتیجه نهایی حاصل از تحلیل یافته‌ها در این پژوهش حاکی از آن است که ضعف موجود در شاخص‌های حکمروایی در شهر شیراز، پیامدهای منفی به دنبال خواهد داشت. این پیامدها در جنبه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌وضوح قابل مشاهده است و در عدم توزیع مناسب خدمات شهری در تمامی مناطق نقش بسزایی داشته است. بر اساس تحلیل‌های صورت‌گرفته، مناطق ۱، ۶ و ۱۰ در وضعیت مطلوبی قرار دارند؛ به عبارت دیگر، توزیع عادلانه‌ای در این مناطق صورت گرفته است.در مقابل، هفت منطقه دیگر در وضعیت نامطلوب قرار دارند و نیازمند راهکارهای اجرایی در جهت بهبود حکمروایی خوب شهری و توزیع عادلانه خدمات هستند. این مناطق با مشکلاتی چون کمبود خدمات بهداشتی و آموزشی، دسترسی محدود به فضاهای سبز، و نابرابری در خدمات حمل‌ونقل روبرو هستند. این نابرابری‌ها نه‌تنها بر کیفیت زندگی ساکنان تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه باعث تشدید نارضایتی اجتماعی و کاهش اعتماد به نظام حکومتی نیز می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که در حالی‌که مناطق ۱، ۶ و ۱۰ در وضعیت مطلوبی از نظر توزیع خدمات قرار دارند، هفت منطقه دیگر با کمبود جدی خدمات و نابرابری‌های فضایی مواجه‌اند. این وضعیت مشابه با نتایج پژوهش احمدی و شمسی‌پور (۱۳۹۹) در شهر بجنورد است که از وجود توزیع ناعادلانه خدمات عمومی در محله‌ها خبر می‌دهد. علاوه بر این، ضعف در شاخص‌های حکمروایی در شیراز به نارضایتی اجتماعی و کاهش اعتماد به نظام حکومتی منجر شده است، امری که در پژوهش جعفری فرد و همکاران (۱۳۹۹) در شهر کهنوج نیز تأیید شده است. نابرابری‌های موجود تأثیرات منفی بر کیفیت زندگی ساکنان دارد و ضرورت بهبود مدیریت شهری و افزایش مشارکت شهروندان را برای ارتقاء رضایت و تحقق عدالت فضایی مورد تأکید قرار می‌دهد

بنابراین، ضروری است که مسئولین شهری با اتخاذ تدابیر مناسب، از جمله افزایش شفافیت در مدیریت شهری، توسعه زیرساخت‌های خدماتی و تقویت مشارکت‌های مردمی، به دنبال بهبود وضعیت توزیع خدمات و ارتقای عدالت فضایی در کلان‌شهر شیراز باشند. این اقدامات می‌توانند زمینه‌ساز بهبود کیفیت زندگی شهروندان و ایجاد توازن در دسترسی به خدمات شهری باشند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Pierre.J
۲. Citizen Participation
۳. Effectiveness and efficiency
۴. Accountability
۵. Responsibility
۶. Transparency

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

۷. Rule of Law
۸. Consensus oriented
۹. Equity and inclusiveness
۱۰. Visioning

منابع

- احمدی، محمد و شمسی‌پور، علی اکبر، ۱۳۹۹، تحلیل توزیع خدمات عمومی با رویکرد عدالت فضایی مطالعهٔ موردی: شهر بجنورد، پژوهش‌های جغرافیای برنامه ریزی شهری، ۸(۱)، ۷۳-۹۸.
- احمدی، م. و شمسی‌پور، ع. ا. (۱۳۹۹). تحلیل توزیع خدمات عمومی با رویکرد عدالت فضایی: مطالعه موردی شهر بجنورد. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۸(۱)، ۷۳-۹۸.
- بابائی اقدم، ف. و نعیمی، ک. (۱۳۹۶). شهر و عدالت فضایی؛ تحلیلی بر پراکنش خدمات عمومی شهری در نواحی بیست و دوگانهٔ شهر سنندج. مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۷(۲۳)، ۱۷۳-۱۸۶.
- بیگلو، ح. ه.، سرور، ر. و نوری، ع. (۱۳۹۷). تبیین تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری با تأکید بر هوشمندسازی مکان: مورد کاوی شهر تهران. مدیریت شهری، شماره ۵۲، ۱۸۹-۲۰۴.
- تابعی، ن.، موحد، ع.، تولایی، س. و کمانرودی، م. (۱۳۹۵). بررسی نقش عدالت فضایی در مدیریت شهری: محدودهٔ مطالعه محلات منطقهٔ ۶ تهران. برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، ۶(۲)، ۲۳-۳۶.
- توکلی‌نیا، ج.، اسکندرپور، م.، و برغمدی، م. (۱۳۹۱). درآمدی بر حکمروایی خوب شهری: ضرورت‌ها، الزامات و چالش‌های تحقق آن در ایران. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۵(۱)، ۱۳۵-۱۵۲.
- جعفری فرد، ج.، صابری، ح.، اذانی، م. و خادم‌الحسینی، ا. (۱۳۹۹). واکاوی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری: مطالعه موردی شهر کهنوج. دوفصلنامهٔ علمی جغرافیای اجتماعی شهری، ۷(۱)، ۲۷۴-۲۹۱.
- حاجی‌نژاد، ع.، پایدار، ا. و ارشد، ح. (۱۳۹۵). تحلیل جایگاه و تدوین برنامه‌ی استراتژیک حکمروایی خوب: مطالعه‌ی موردی شهر زاهدان. جغرافیا و توسعه، ۱۴(۴۲)، ۶۳-۸۲.
- حافظنیا، م. ر.، قادری حاجت، م.، احمدی‌پور، ز.، رکن‌الدین، ع. و گوهری، م. (۱۳۹۳). طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی: مطالعه موردی ایران. ۱۹(۱)، ۳۳-۵۲.
- حسنی هنزایی، و. و الهیاری، ر. (۱۳۹۷). مطالعه‌ی تطبیقی برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس حکمروایی خوب شهری: مورد مطالعه شهرهای تهران و مشهد. دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۳(۳(پیاپی ۱۱))، ۱-۱۴.
- حکمت‌نیا، ح.، موسوی، م. ن.، افشانی، ع. و ملکی، م. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل حکمروایی خوب شهری در ایران: مورد مطالعه شهر ایلام. مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۷(۲۴)، ۱۴۳-۱۵۲.
- داداش‌پور، ه.، علیزاده، ب. و رستمی، ف. (۱۳۹۴). تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام. فصلنامه علمی-پژوهشی نقش جهان، شماره ۱-۵، ۷۵-۸۵.
- رحمانی، ب.، تاج، ش. و عبدی، ع. (۱۳۹۹). تحلیل نابرابری‌های فضایی توزیع خدمات شهری از منظر عدالت فضایی: مطالعه موردی شهرستان قرچک. جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، ۱۲(۴۳)، ۲۷-۵۱.
- زیاری، ک. اله، یدالله‌نیا، ه. و یدالله‌نیا، ح. (۱۳۹۹). تحلیل عملکرد مدیریت شهری با تأکید بر شاخص‌های حکمروایی خوب از منظر شهروندان: مورد مطالعه شهر ساری. فصلنامه علمی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۱(۴۰)، ۱-۱۵.
- شاهینی‌فر، م. و محمدزاده، ر. (۱۳۹۶). تحلیل و ارزیابی میزان تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری در شهر جوانرود. اولین همایش اندیشه‌ها و فناوری‌های نوین در علوم جغرافیایی.
- شریف‌زاده‌اقدم، ا.، شیخی، ع. و حیدری‌تاشه‌کبود، ا. (۱۳۹۸). ارزیابی مشارکت شهروندان در حکمروایی خوب شهری: مطالعه موردی شهر پیرانشهر. مطالعات محیطی هفت حصار، ۷(۲۸)، ۴۵-۶۰.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

- عبدی، ک.، جعفری مهرآبادی، م.، صفایی رینه، م. و یاری، ش. ا. (۱۳۹۸). سنجش رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری با رویکرد حکمروایی خوب شهری: مطالعه موردی شهر کیاسر. فصلنامه آمایش محیط، شماره ۴۵، ۱۳۹-۱۶۶.
- عیوضلو، د. و رضویان، م. ت. (۱۳۹۷). ارزیابی وضعیت مدیریت شهری کلانشهرها مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری: مورد مطالعه کلانشهر تهران. جغرافیا و توسعه، ۱۶(۵۲)، ۱۷۵-۱۹۲.
- مهارتی، ی.، حسنی هنزایی، و. و حمیدی، م. (۱۳۹۱). ارزیابی برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس حکمروایی خوب شهری: مطالعه‌ی تطبیقی برنامه‌ریزی‌های تهران و مشهد. چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد.
- نظم‌فر، ح.، سعدلونیا، ح. و طهماسبی، ف. (۱۳۹۷). جایگاه حکمروایی مطلوب شهری در اسناد قانونی فرادست و پایین‌دست توسعه ایران. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۷(۱۰۴)، ۲۶۵-۲۸۹.
- هال، پ. و فایفر، ا. (۱۳۹۴). آینده شهری قرن بیست‌ویکم: دستور کار جهانی برای شهرهای قرن بیست‌ویکم. ترجمه: اسماعیل صادقی و ناهید صفایی. چاپ دوم. انتشارات آذرخش.
- Bassett, S. M. (2013). The role of spatial justice in the regeneration of urban spaces. *NEURUS Research, Sarah Bassett Spring*, 1-25.
- Biswas, R., Jana, A., Arya, K., & Ramamritham, K. (2019). A good-governance framework for urban management. *Journal of Urban Management*, 8(2), 225–236.
- Edelenbos, J., & Meerkerk, I. V. (2017). Finding common ground in urban governance networks: What are its facilitating factors? *Journal of Environmental Planning and Management*, 1-17.
- Esmailpour, N., Goodarzi, G., & Esmailpour Zanjani, S. (2021). The model of good sustainable urban governance based on ESG concepts. *International Journal of Urban Management and Energy Sustainability*, 2(4), 11-22.
- Fujita, K. (2009). Urban justice and sustainability. *Local Environment*, 14(5).
- Goss, S. (2001). *Making local governance work*. Palgrave.
- Hewko, G. (2003). Spatial equity in the urban environment: Assessing neighborhoods' accessibility to public amenities. University of Alberta.
- Kadago, J., Sandholz, S., & Hamhaber, J. (2010). Good urban governance, actors' relations and paradigms: Lessons from Nairobi, Kenya, and Recife, Brazil. 46th ISOCARP Congress.
- Lemanski, C. (2017). Unequal citizenship in unequal cities: Participatory urban governance in contemporary South Africa. IDPR, 39(1).
- Lockwood, M. (2009). Good governance for terrestrial protected areas. *Journal of Environmental Management*.
- Morita, S., & Zaelke, D. (2007). *Rule of law, good governance and sustainable development*. Routledge.
- Omar, I. (2005). Evaluating accessibility using house-level data: A spatial equity perspective. *Computer, Environment and Urban Systems*.
- Peris, J., Cebillo-Baque, M. A., & Calabuig, C. (2011). Scrutinizing the link between participatory governance and urban environmental management: The experience in Arequipa during 2003-2006. *Habitat International*, 35, 84-92.
- Pierre, J. (2014). Can urban regimes travel in time and space? Urban regime theory, urban governance theory, and comparative urban politics. *Urban Affairs Review*, 50(6), 864-889.
- Rakodi, C. (2001). Forget planning, put politics first? Priorities for urban management in developing countries. *Journal of JAGL*, 3(3).
- Shahidul, M., & Swapan, H. (2016). Participatory urban governance in Bangladesh: A study of the gap between promise and realities. *Environment and Urbanization ASIA*, 7(2), 196–213.
- Sheng, Y. K. (2010). Good governance in Southeast Asia. *Environment and Urbanization ASIA*, 1(2), 131–147.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

- Shipra, N. (2006). The urban governance index: A tool to measure the quality of urban governance. *MENA Development Forum MDF5*. Beirut.
- Wolfram, M. (2017). Sustainability: The issue of our age, and a concern for local government. *Public Management*, 88, 8-12.
- World Bank. (2012). Methodology of World Governance Indicators. Available at URL: http://info.worldbank.org/governance/wgi/#doc
- Yousaf, M., Ihsan, F., & Ellahi, A. (2016). Exploring the impact of good governance on citizens' trust in Pakistan. *Government Information Quarterly*, 33(1), 209-200.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

Analysis of urban service distribution indicators with the spatial justice approach of Shiraz Metropolis

Behnosh Nosrati, *Department of Humanities, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.*
Ali Shakoor[*]**,** *Professor of Human Geography, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.*

Received: 2022/6/2 *Accepted: 2022/8/25*

Extended abstract

Introduction: According to the report by the United Nations Population Fund, more than half of the world's population lives in urban areas, and this figure is expected to rise to five billion by 2030. Social inequalities and the lack of justice are primary factors contributing to population crises. Spatial justice, which is a component of social justice, relates to the unequal distribution of income, housing segregation, and the unequal allocation of public services. Resource allocation policies in cities are implemented through good urban governance, which aims to improve administrative skills, enhance transparency, and increase the accountability of officials. This research focuses on analyzing the indicators of good urban governance and spatial justice in the city of Shiraz. Given the growing population of this metropolis, it is essential to examine urban services and their proper distribution to prevent citizen dissatisfaction and the failure to achieve spatial justice. Additionally, the role of indicators such as legality and equal opportunity in shaping this justice will be explored.

Methodology: The research method used in this study is descriptive-analytical, and in terms of strategic targeting, it is applied. Data collection was conducted using two methods: library research and documentary analysis (detailed plan). The geographical scope of the study encompasses the metropolis of Shiraz and its 10 municipal regions. To evaluate the urban areas of Shiraz in terms of good urban governance with an emphasis on spatial and social justice, all land uses except residential use were considered. For data analysis, SPSS software and tests for determining the viability coefficient of the regions and factor analysis were employed. The statistical population of this research is based on the Delphi method, comprising 30 specialists in urban planning and architecture.

Results: To assess the viability of all municipal regions in the metropolis of Shiraz and determine the level of acceptance of spatial justice (distribution of sports, healthcare, cultural, green space, educational, and urban equipment uses) and good urban governance (participation, effectiveness and efficiency, accountability and responsiveness, consensus orientation, transparency, rule of law, and strategic vision), we first establish a data matrix. Based on the obtained results, it can be stated that Region 10, with a coefficient of 0.9, has the highest viability, indicating a greater suitability for development in this area. Regions 1 and 6, with coefficients of 0.5 and 0.15, rank second and third respectively, also demonstrating a preferable level of viability. The remaining seven regions under study exhibit low viability, and both good urban governance and spatial-social justice have faced challenges in these areas.

Conclusion: The final results from the analysis of findings in this research indicate that the existing weaknesses in governance indicators in the city of Shiraz will have negative consequences. These repercussions are clearly observable in various economic, social, and environmental aspects, significantly impacting the inadequate distribution of urban services across all regions. Based on the analyses, Regions 1, 6, and 10 are in a favorable condition; in other words, a fair distribution has been achieved in these areas. In contrast, the other seven regions are in an unfavorable situation.

* Corresponding Author's E-mail: alishakoor52@yahoo.com

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]